خبر

اثر منسوب به امام رضا(ع) در موزه آستان قدس رضوی

یک کارشناس آثار خطی از وجود ۱۰ اثر منسوب به امام رضا(ع) در موزه‌ها و کتابخانه آستان قدس رضوی خبر داد.

سیدمحمدرضا فاضل‌هاشمی درخصوص آثار منسوب به امام رضا(ع) اظهار کرد: طب‌الرضا یا رساله ذهبیه یکی از این آثار است. این رساله شامل توصیه‌های علمی و پزشکی امام رضا(ع) است. در این کتاب برخلاف دیگر کتب طبی که توصیه‌ها از میان احادیث گلچین شده به دست خود امام رضا(ع) نگاشته شده است.

وی افزود: رساله ذهبیه کتابی علمی در زمینه پزشکی است و امام رضا(ع) آن را نگاشته و انتساب این اثر به امام رضا(ع) به طور کامل تایید شده است.

فاضل‌هاشمی گفت: یکی دیگر از آثار منسوب به امام رضا(ع) قرآن خطی است. این قرآن به خط کوفی متعلق به قرن دوم و سوم نگاشته و تایید شده که دستخط امام رضا(ع) است.

وی درخصوص دیگر آثار منسوب به امام رضا(ع) بیان کرد: یکی دیگر از این کتاب‌ها مسند الامام الرضا(ع) است. این کتاب مجموعه‌ای شامل ۴۰ حدیث از پیامبر(ص) و مواعظی در باب اخلاق و آداب معاشرت است.

فاضل‌هاشمی بیان کرد: شرح حدیث عمران صلبی، شرایع‌الاسلام و شرایع‌الدین نیز از دیگر آثار منسوب به امام رضا(ع) است.

یادداشت

راهکاری برای برون‌رفت از وضعیت بحرانی

حسین کشاری
سینماگر

ناامنی‌های اخیر، آسیب‌های زیادی در فضای کار و اقتصاد جامعه ایجاد کرده است که از جمله آنها رکود فعالیت‌های فرهنگی و هنری در کشور است. در شرایطی که زیان وارد به سینما از کرونا همچنان محل بحث و حساب و کتاب است، صاحبان سینما امیدوار شده بودند با اکران فیلم‌های پرمخاطب در پاییز، شرایط کم‌کم به روزهای پیش از کرونا نزدیک شود، اما ناآرامی‌ها و تغییرات اجتماعی معادلات را بر هم زد. پرواضح است ادامه چنین شرایطی تنها وضعیت فرهنگ و هنر کشور را به مخاطره نمی‌اندازد، بلکه به معیشت فعالان این حوزه و نیز کارکنان سینما هم آسیب‌های غیرقابل جبرانی وارد می‌کند.

با تمام این تفاسیر طبق اعتقاد همیشگی‌ام اگر فیلم خوب در هر شرایطی روی پرده سینماها برود، مخاطب را به سالن می‌کشاند. این روش تنها روشی است که وضعیت سینماها را بهبود می‌بخشد. کمااین‌که در گذشته در مواردی روش‌های دیگری را مثل نیم بها کردن یا شناور کردن قیمت بلیت را امتحان کرده بودند. این بار هم در چهاردهمین نشست شورای راهبردی اکران که در ۱۸ مهرماه امسال مصوب شد همزمان با برگزاری رویداد «سینمای مهر ایران» در استان‌های مختلف، نرخ بلیت به مدت دو هفته در سینماهای کشور به نصف کاهش یافت و به این ترتیب بلیت سینماها از تاریخ ۲۱ مهر نیم‌بها شد اما این طرح هم نتوانست راهی برای نجات پیکر نیمه جان سینما باشد. این روش‌ها هیچ‌کدام نتوانستند گیشه سینماها را نجات دهند و مخاطبان را به سالن سینماها بکشانند.

سینماهای تک‌سالنه و دوسالنه که به جرات می‌گویم به تعطیلی کامل رسیده‌اند. صاحبان این سالن‌ها عمدتا درخواست تغییر کاربری دارند. چون هزینه سالن داری آن هم در روزگار فعلی هیچ توجیه اقتصادی ندارد.

مشکل امروز سینمای ما دور شدن مردم از سینما به دلایل مختلف بوده که از جمله مهم‌ترین آنها کاهش چشمگیر کیفیت آثار سینمایی است. در دوره‌ای این تصور ایجاد شده بود که صرفا آثار کمدی می‌توانند مردم را به سینما بکشانند اما همان‌طور که امروز می‌بینید در این روزها موفقیت نسبی دو فیلم انیمیشن «پسر دلفینی» و «لوپتو» در کنار کمدی‌های در حال اکران نشان داد تنوع دادن در آثار می‌تواند مردم را به سینماها بکشاند. در چنین شرایطی تولید فیلم‌های فاخر و متنوع باید از اولویت‌ها باشد. چراکه حمایت مادی و پشتیبانی از تولید آثار باکیفیت، نقش انکارناپذیری در بالارفتن حجم استقبال از سینماها دارد. سینمای ایران به گونه‌های مختلف سینمایی نیاز دارد؛ چرا که این نیاز، نیاز مخاطب ماست. دست‌اندرکاران سینما باید ساخت انواع ژانرهای سینمایی را در دستور کار قرار دهند که سلایق مختلف جامعه بتواند علاقه‌مندی‌های خود را در آن پیدا کند. سینما اگر بخواهد صرفا به یک ژانر به‌خصوص بپردازد قطعا با شکست همه جانبه مواجه خواهد شد.

سازمان سینمایی نه تنها امروز، بلکه همیشه باید بخشی از توانی که برای توسعه زیرساخت‌های سینمایی در نظر گرفته سمت تولید آثاری که مردم را به سمت سینما متمایل می‌کند ببرد. درست است که ساخت پردیس‌های مجهز مهم است اما تولید سالن سینما برای مردمی که سینما نمی‌روند چه توجیهی دارد؟ در واقع آنچه باعث می‌شود وضعیت اکران رو به بهبود برود، تولید و نمایش آثاری است که مخاطب را ترغیب به خرید بلیت و آمدن به سینما کند.

جدال فرهنگ

«جام‌جم» نسبت معنادار کیفیت آثار سینما

فیلم کمدی «بخارست» که از ۲۴ آبان اکران خود را در سینماهای کشور آغاز کرده، با فروش بیش از ۱۸۰ هزار بلیت و در اختیار داشتن ۳۶۰ سالن سینما و بیش از ۱۰ هزار و ۶۰۰ سئانس، پنج میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان در گیشه فروخته است و بین فیلم‌هایی که اخیرا روی پرده رفته‌اند، یکه‌تازی می‌کند. پیش از بخارست دو انیمیشن «لوپتو» و «پسر دلفینی» که در نوبت‌های مختلفی به نمایش درآمدند، چراغ اکران را روشن نگه داشتند و سهم مهمی در رونق گیشه و رشد مخاطبان سینما داشته و دارند. لوپتو که از ۱۱ آبان اکران شده با فروش بیش از ۲۸۴ هزار بلیت و در اختیار داشتن ۳۹۳ سالن و ۱۰ هزار و ۷۸۵ سئانس، تا اینجا هفت میلیارد تومان در گیشه فروخته است و پسر دلفینی هم که از دوم شهریور اکران خود را آغاز کرده، با فروش ۷۳۰ هزار بلیت و در اختیار داشتن ۵۰۳ سالن سینما و حدود ۲۹ هزار سئانس، تا اینجا فروش خیره‌کننده‌ای در گیشه داشته و بیشتر از ۱۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان فروخته است.

با نگاهی به رکود سینما در چند وقت گذشته این میزان از فروش و اقبال به فیلم‌ها در اکران امیدوارکننده است اما در تحلیل و بررسی دقیق‌تر باید بین همین فروش‌ها تفکیک قائل شد و فروش به هرقیمتی برخی فیلم‌ها با فروش مبتنی بر اندیشه و محتوای سالم را دو راه و مقوله متفاوت درنظر گرفت؛ چون فیلمی که بنای موفقیت در گیشه را روی زرق و برق ظاهری اثر و بی‌اعتنا به ارتقای فرهنگی مخاطب گذاشته، خواسته یا ناخواسته در درازمدت و در همراهی با فیلم‌هایی فریبنده و بی‌محتوا از جنس خودش، باعث تنزل سطح سلیقه مخاطبان می‌شود و از سوی دیگر فیلم‌های باکیفیت و بامضمون درست و محتوای سالم، نقش مهمی در فرهنگسازی مخاطبان و پاسخگویی به نیازهای فرهنگی آنها خواهند داشت و به رشد و ارتقای کیفیت سینمای کشور کمک می‌کنند. درواقع اینجا با یک نبرد سینمایی فرهنگی و اجتماعی مواجهیم که برنده آن نقش بسزایی در تغییر مسیر فرهنگی جامعه و وضعیت مخاطبان سینمارو و فیلم‌بین بازی می‌کند. این جدال همان‌طور که در این نوبت و فصول اخیر اکران شاهد آن هستیم، در سال‌های قبلی هم وجود داشته است؛ نبردی گاهی نابرابر و چه بسا تبعیض‌آمیز که موجب شکست برخی فیلم‌های فرهنگی در گیشه و فروش بالا و صدرنشینی آثار زرد و شبه‌کمدی‌ها شده است. اقبالی از سر ناچاری و در نبود فیلم‌های سرگرم‌کننده سالم و جذاب که در همین چند سال اخیر و به علت تکرارمکررات و آثاری کم‌مایه و بی‌مایه و شبیه به هم باعث تنزل سلیقه مخاطبان و افت تماشاگران، قهر محسوس تماشاگران و درنهایت رکود سینما شد. در گزارش پیش‌رو ضمن مقایسه انیمیشن‌های موفقی چون لوپتو و پسر دلفینی با فیلم پرفروشی چون بخارست و بررسی داشته‌ها و نداشته‌ها و نکات مثبت و منفی آنها، پرفروش‌ترین فیلم‌های امسال و چند سال گذشته را هم با همین نگاه و نسبت معنادار بین کیفیت فیلم‌های سینمایی و میزان فروش آنها مرور کرده‌ایم، این‌که در آماری نگران‌کننده معمولا آثاری بی‌کیفیت و بدون محتوای ارزشمند و فرهنگی در صدر یا آن بالاهای جدول فروش سالانه جاخوش می‌کنند و تیشه به ریشه سینما و فرهنگ می‌زنند، بدون این‌که جایگاه مهم مخاطب در سینمای کشور را درنظر بگیرند.

۱۴۰۱ زورآزمایی با گیشه

پرفروش‌ترین فیلم امسال سینمای ایران «کمدی انفرادی» ساخته مسعود اطیابی است که با وجود آغاز اکران از ۷ اردیبهشت هنوز هم در برخی پردیس‌های سینمایی نمایش داده می‌شود. این فیلم تا اینجا بیش از ۷۴ میلیارد تومان در گیشه فروش داشته است اما آیا باید از این میزان فروش خوشحال باشیم یا نه؟ از منظر جذب مردم به سالن‌های سینما و چرخش چرخ صنعت سینمای ایران بله، باید خشنودی خود را ابراز کرد اما اگر از بعد فرهنگی به ماجرا ورود کنیم، حضور این فیلم در صدر جدول فروش سینمای کشور، مایه شرمندگی و ناامیدی است. فیلمساز با وجود بهره‌گیری از بازیگرانی چون رضا عطاران، احمد مهران‌فر و مهدی هاشمی در نقش‌های اصلی که کنجکاوی و شوق اولیه تماشا را در مخاطبان ایجاد می‌کند، به مسیر شیطنت‌آمیزی می‌رود. گرچه طرح فساد اقتصادی برخی مدیران اجرایی، دل مخاطبان را خنک می‌کند اما شبه‌کمدی‌ها در این سال‌ها بسیار از این موضوع وام گرفته و با روایت‌های سینمایی دم‌دستی و تکراری، کل مطالبه‌گری مردم را لوث کرده‌اند. انفرادی هم از این طرح مسأله فراتر نمی‌رود و حتی با چاشنی برخی عناصر و دیالوگ‌های اروتیک مثل لباس شکنجه سعی دارد به هر قیمتی از تماشاگر خنده بگیرد. گرچه این اتفاق می‌افتد و استقبال تماشاگران و این فروش بالا هم مؤید همین اقبال است اما نمی‌توان برداشتی جز کمبود محصول سرگرم‌کننده مناسب در سینمای ایران از آن داشت. اگر مخاطبان برای دیدن این فیلم به سینما رفته و می‌روند، دلیل بر خوب بودن فیلم نیست و حتی اگر به برخی لحظات آن می‌خندند، باز دلیل بر موفقیت ساختار کمدی اثر نیست و آنها متاسفانه به همان پلان‌ها و دیالوگ‌هایی می‌خندند که معادل تکراری جوک‌های فضای مجازی است. لازم به توضیح نیست که چنین روایت‌های آلوده و بزک کرده با چاشنی‌های نامناسب، چه اثرات مخرب فرهنگی بر مخاطبان خواهد داشت و چقدر می‌تواند در افت سلیقه آنها نقش داشته باشد.

کمدی «سگ‌بند» به کارگردانی مهران احمدی هم با بیش از ۴۱ میلیارد تومان فروش که در رده دوم جدول فروش سالانه قرار دارد، در ساختار ضعیف و افزودنی‌های شیطنت‌آمیز برای جذب به هرقیمتی مخاطب، دست‌کمی از انفرادی ندارد. اینجا هم موضوع هشدار درباره مضرات مصرف مواد مخدر و قاچاق که می‌توانست محملی برای روایت یک کمدی سالم، جذاب و بامزه باشد، برای جلب نظر مخاطبان به کنایه‌ها و ادا و اطوار بازیگران اصلی‌اش امیر جعفری و بهرام افشاری و پناه بردن به کلیشه‌ای امتحان پس‌داده چون ساخت بخشی از فیلم در خارج از کشور با نمایش بازیگران زن بی‌حجاب خارجی و به تصویرکشیدن جاذبه‌های توریستی آنجا (در این فیلم تایلند) متوسل می‌شود.

در نقطه مقابل این پیشتازی آثار نازل در گیشه امسال سینمای ایران، فیلم‌هایی با دغدغه‌ها و مضامین مهم و البته پرداخت بهتر، باوجود استقبال خوب در گیشه در رده‌های بعدی جدول فروش قرار دارند. علفزار که درامی ملتهب و اجتماعی را با نگاهی هشدارگونه و آسیب‌شناسانه به ماجرایی واقعی روایت می‌کند، با فروش حدود ۲۲ میلیارد تومان در رتبه سوم جدول فروش سالانه است. تی‌تی که فیلمساز روایتی خلاقانه و منحصربه‌فرد با موضوع انسانیت و با نگاهی به فیلم‌ها و موضوعات آخرالزمانی دارد هم با فروش بیش از ۲۱ میلیارد تومان در رتبه چهارم پرفروش‌ترین فیلم‌های سال حاضر است و فیلم ابلق هم با فروش بیش از ۱۹ میلیارد تومان که پنجمین فیلم پرفروش امسال سینمای ایران است، موضوعی به‌روز و مرتبط با جامعه ایران و جامعه جهانی دارد و جریان «می تو» و جنبش «من هم» را درباره تعرض و تجاوز مطرح می‌کند. گرچه حضور فیلم‌های علفزار، تی‌تی و ابلق در میان پنج فیلم اول جدول فروش سینمای ایران و از رده‌های سوم تا پنجم ارزشمند است اما واگذاری رده‌های اول و دوم گیشه به دو کمدی نازل نگرانی‌هایی فرهنگی به‌دنبال دارد. البته اگر نیمه پر لیوان را درنظر بگیریم، همین حضور قابل توجه در بین پنج فیلم پرفروش سینمای ایران در سال ۱۴۰۱ می‌تواند زنگ خطری جدی برای شبه‌کمدی‌ها و آثار سطحی و نازل باشد و می‌تواند امیدواری‌هایی درباره توجه به جایگاه مخاطب و ارتقای سینمای کشور ایجاد کند و به‌ویژه امیدوار باشیم با تکرار و شدت گرفتن این روند و ساخت و اکران مناسب فیلم‌های جدی و فرهنگی ـ کمدی مسأله‌دار و دغدغه‌مند با ساختار درست هم در این دسته جا می‌گیرد ـ «رشد و ارتقای فرهنگی مخاطبان سینمای ایران» نتیجه و ماحصل این نبرد باشد. اتفاقی که یقینا با نیت، تلاش، تعهد و دغدغه‌مندی خود سینماگران و فیلمسازان و سیاست‌گذاری کلان فرهنگی از سوی مدیران سینمایی و نهادهای متولی به‌دست می‌آید.

حضور قابل توجه فیلم‌های فرهنگی در بین پنج فیلم پرفروش سینما در سال ۱۴۰۱ می‌تواند زنگ خطری جدی برای شبه‌کمدی‌ها و آثار سطحی و نازل باشد

۱۴۰۰ انفجار دینامیت بی‌فرهنگی

سال گذشته هم وضعیت مشابهی با امسال در گیشه داشت و دو کمدی ضعیف و هنجارشکن، قهرمان و نایب‌قهرمان جدول فروش سالانه سینمای ایران بودند و فیلم‌هایی با محتوای فرهنگی و با مسأله و دغدغه‌مند، رده‌های سوم تا پنجم را به‌دست آوردند. گرچه اکران فیلم‌هایی مثل «دینامیت» و «گشت ارشاد۳» گیشه کرخت و کرونازده را نجات دادند و چراغ خاموش سالن‌های سینما را به سهم خود روشن کردند و دست‌کم از این جنبه شایسته اشاره و قدردانی هستند اما بیشتر از حسن فروش و جذب تماشاگر، در زمینه فرهنگی نمره قبولی نمی‌گیرند و با ساختار ضعیف و کم‌مایگی قصه و صحنه‌ها و دیالوگ‌هایی بازیگوشانه و هنجارشکنانه و عبور از برخی خطوط قرمز و به‌ویژه خوانش اشتباه از امر به معروف و نهی از منکر، صدای اعتراض مسئولان این ستاد و برخی خانواده‌ها را درآوردند.

دینامیت گرچه با حضور بازیگرانی چون احمد مهرانفر و پژمان جمشیدی با فروش بیش از ۵۸ میلیارد تومان، رکوردهایی را در گیشه جابه‌جا کرد اما آسیب‌های فرهنگی‌اش به مخاطبان ضررهایی به‌مراتب بیشتر از این به همراه داشت که با هیچ عدد و رقمی نمی‌توان آن را جبران کرد.

اینجا هم باز پای اطیابی به‌عنوان کارگردان درمیان است که در این چند سال راه ساخت فیلم‌های کم‌مایه اما پرفروش را خوب یاد گرفته و تقریبا هر سال، یکی از این آثار را برای رکوردزنی در گیشه رو می‌کند و با بینوایی و بیچارگی مخاطبان در انتخاب فیلم سرگرم‌کننده خوب، خوشایند سینماداران برای روشنایی چراغ سینمای رو به خاموشی، فقدان یا کمبود شوراهای پروانه ساخت و نمایش و انفعال و غفلت مدیران سازمان سینمایی و ارشاد به صدرنشین اکران هم تبدیل می‌شود.

گشت ارشاد ۳ هم با حضور بازیگر هنجارشکن، جنجالی و مهاجرت کرده از وطن، بدون کمترین مانعی اکران شد و با فروش بیش از ۴۲ میلیارد تومانی در گیشه، حکم یک دهان‌کجی واضح به متولیان فرهنگی و سینمایی کشور را داشت.

فیلمساز مثل دو فیلم قبلی این سه‌گانه به‌جای قصه‌گویی درست و درمان، همه تمرکزش را روی تکه‌پرانی‌های سیاسی و اجتماعی گذاشت و این‌بار با افزودن یک خواننده به‌عنوان بازیگر، فیلمش را به کنسرت هم تبدیل کرد و کار جذب مخاطبان و فروش بیشتر در گیشه را به این شکل پیش برد.

میزان فروشی که در یک بستر و فضای فرهنگی مناسب، باید نصیب آثاری چون قهرمان، بی همه‌چیز، آتابای، منصور و خورشید می‌شد که در همین سال ۱۴۰۰ اکران شدند. واقعا در یک وضعیت فرهنگی استاندارد، جای فیلم‌هایی چون دینامیت و گشت ارشاد ۳ در صدر جدول گیشه سالانه نیست. قهرمان با فروش ۱۲ میلیارد تومان، بی همه چیز با فروش حدود ۱۰ میلیارد تومان و آتابای با فروش بیش از ۵ میلیارد تومان درحالی در رده‌های سوم تا پنجم گیشه سال قبل قرار گرفتند که هرکدام واجد ارزش‌های مضمونی و ساختاری و هنری بودند و توانستند با احترام به جایگاه مخاطب، باعث روشن شدن چراغ آگاهی در اذهان تماشاگران شوند و در رقابت با فیلم‌های سطحی و نازل، دست مخاطب را برای رشد و ارتقای فرهنگی بگیرند اما از آنسو فیلم‌هایی چون دینامیت و گشت ارشاد ۳ با وجود روشنایی چراغ گیشه، دست مخاطبان را گرفتند و با خود به دل تاریکی بردند.

۱۳۹۹ سال خنثای کرونایی

فیلم «شنای پروانه» گرچه از بدشانسی سازندگانش در سالی یکسره کرونایی اکران شد، آن طور که باید به حقش نرسید و در وضعیتی طبیعی قطعا به فروشی به‌مراتب بیشتر از ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومانی دست پیدا می‌کرد اما فارغ از ساختار جذاب سینمایی و نگاه اجتماعی فیلمساز که کاملا با احترام به جایگاه مخاطب همراه است، به دلیل ویترین و ظاهر اثر که کاراکترهایی لمپن در آن حضوری جدی و پررنگ دارند، با نقد و نظرهای منفی همراه شد.

نوعی زیبایی‌شناسی فرهنگ و ادبیات لاتی و ترویج ناخواسته خشونت آدم‌هایی از طبقات فرودست که شاید حتی نتیجه عکس مقصود فیلمساز در نقد و آسیب‌شناسی این بخش از جامعه و این تیپ از افراد باشد. بنابراین اول شدن چنین فیلمی که آدم را یاد «جنون یک» داشتن شخصیت مصیب در خود فیلم می‌اندازد، شاید به لحاظ فرهنگی اثرات منفی کمتر از حضور شبه‌کمدی‌های سطحی و نازل در گیشه نداشته باشد. اگر هم مثبت‌تر به ماجرا نگاه کنیم و تنها روی نقاط قوت و ساختار سینمایی این فیلم متمرکز شویم دست‌کم مواجهه

قاب

به یاد شاعر گل باغ آشنایی

اگر محمود مشرف آزاد تهرانی امروز پیش ما بود، نودمین سالروز تولدش را جشن می‌گرفتیم. این شاعر معاصر را با نام هنری «م. آزاد» می‌شناختیم. او در ۱۸ آذر ۱۳۱۲ در تهران به دنیا آمد. پس ازاخذ لیسانس از دانشکده ادبیات و زبان فارسی دانشگاه تهران، مدتی آموزگار ادبیات فارسی بود و سپس به استخدام کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان درآمد. دیار شب ۱۳۳۴ با من طلوع کن، آیینه‌ها تهی است، قصیده بلند باد و گل باغ آشنایی از آثار ماندگار اوست.

قفسه

رونمایی از ۱۵ عنوان کتاب به زبان ترکی

از ۱۵ کتاب حمایت‌شده طرح گرنت به زبان ترکی در غرفه جمهوری اسلامی ایران در سی‌ونهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب استانبول رونمایی شد.

کتاب‌های کوتی‌کوتی، پشت پنجره، سفید سفید تنها بود، موش و گربه و باقی دوستان، ماهی‌های بالا بندر، این ترزی این ترزی و ریشه‌ها در خاک، شاخه‌ها در باد از انتشارات موسیملر مورد حمایت طرح گرنت قرار گرفتند.

همچنین کتاب‌های عینکی برای اژدها، تن‌تن و سندباد، مجموعه ۱۰ جلدی قصه ما مثل شد و شهری که دوست می‌داشتم از انتشارات مهنا و کتاب نگین سرخ از انتشارات انسوز و کتاب‌های ۲+۱۸ دارکوب، کلاغ سیاه به سفر می‌رود و دختر انار از انتشارات اردم در سال ۲۰۲۲ مورد حمایت این طرح قرار گرفتند.

طرح گرنت به منظور حمایت از ترجمه و انتشار کتاب ایرانی در بازارهای جهانی راه‌اندازی شده و تاکنون ۴۲۷ عنوان کتاب برای ترجمه به زبان‌های خارجی تصویب کرده است.

معرفی طرح گرنت، طرح تاپ و پرداختن به آموزش زبان فارسی از جمله برنامه‌های غرفه ایران در سی‌ونهمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب استانبول بود.

چهره

جلال خسروی، شاعر دشتستانی درگذشت

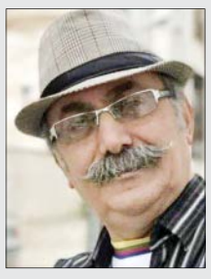

جلال خسروی، شاعر شناخته‌شده و نام آشنای دشتستانی که به ویژه در استان‌های بوشهر و فارس شناخته شده بود، سه‌شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۱ در شهر شیراز درگذشت.

جلال خسروی اهل برازجان و متولد ۱۳۳۵ بود و در شعر سپید و پست‌مدرن و نیمایی آثار فراوانی داشت که برخی در نشریات استان بوشهر به چاپ رسیده است. نخستین مجموعه شعر او با عنوان با باوری به حجم گلوله در سال ۱۳۵۸ به چاپ رسید.

اثر دیگر زنده‌یاد خسروی با نام کی وقت داری به هم برویم؟ سال ۱۳۸۱ منتشر شده است و بمیری بیچاره می شوم، عزرائیل جان! مجموعه شعر دیگری از مرحوم خسروی است که به چاپ نرسیده است. خسروی همچنین در زمینه فعالیت رسانه‌ای نیز فعال بود و مدیریت مجله ادبی جن‌زار را بر عهده داشت.

مراسم تشییع و خاکسپاری پیکر خسروی، جمعه ۱۸ آذر در برازجان برگزار خواهد شد.